

بایدها کی گزارش می‌شود؟



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

رئیس محترم قوه مجریه، در تازه‌ترین نشست هیئت دولت، بار دیگر بر ضرورت پرداخت حقوق و پاداش بر اساس عملکرد کارکنان تأکید کرده است؛ سخنی درست، منطقی و مورد انتظار که در ظاهر هیچ جای مخالفتی ندارد. همه می‌دانند نظام پرداخت عادلانه، آن نظامی است که میان کار و پاداش تناسب برقرار کند، اما این سخن درست چندمین بار است که در فضای عمومی کشور

تکرار می‌شود و چه زمانی قرار است از مرحله «باید گفتن» به مرحله «گزارش دادن» برسد؟ در هر دولت، در هر سال و در هر جلسه‌ای که موضوع حقوق و معیشت کارکنان مطرح شده، رئیس دولت با تأکید بر همین گزاره‌ها سخن گفته، اما فاصله میان «باید»ها و «هست»ها همچنان عمیق مانده است.

اکنون بیش از ۱۵ ماه از آغاز به کار دولت چهاردهم گذشته است. در این مدت، رئیس محترم قوه مجریه بارها از لزوم اصلاح ساختار پرداخت، شفاف‌سازی هزینه‌ها، کاهش موازی‌کاری و سنجش عملکرد سخن گفته است، اما تغییری محسوس در نظام اداری و بودجه‌ای کشور دیده نمی‌شود. دستگاه‌های اجرایی هنوز همان شیوه‌های سنتی را ادامه می‌دهند، از زیبایی عملکرد هنوز در سطح شعار باقی مانده و فاصله حقوق‌ها در میان بخش‌های مختلف دولت، در برخی موارد بیشتر هم شده است. اگر قرار باشد هر بار با تکرار توصیه‌های کلی از بار مسئولیت شانه خالی شود، نتیجه چیزی جز دلزدگی مردم و کارکنان نخواهد بود.

در سخنان اخیر رئیس‌جمهور، نکات درستی درباره لزوم مدیریت هزینه‌ها، کاهش کسری بودجه و ارتقای بهره‌وری مطرح شده، اما این سخنان بر چه مبنای آماری و اجرایی استوار است؟ اگر قرار است پرداخت حقوق بر اساس عملکرد باشد، باید سازوکار سنجش عملکرد شفاف و قابل‌راستنی آزمای وجود داشته باشد. در حالی که هنوز نظام ارزیابی کارمندان در بسیاری از دستگاه‌ها به صورت سلیقه‌ای و غیرمستند انجام می‌شود. گزارش رسمی از نتایج این ارزیابی‌ها منتشر نمی‌شود و هیچ کم نمی‌داند چه کسی با بر اساس چه شاخص‌هایی مستحق پاداش بیشتر شناخته می‌شوند. در چنین وضعی، سخن گفتن از پرداخت مبتنی بر عملکرد، بیشتر شبیه آرزو است!

مسئله دیگر آن است که در اغلب سازمان‌ها، بودجه حقوق و مزایا از پیش در ردیف‌های ثابت بودجه سالانه تعیین می‌شود، بنابراین حتی اگر دستگاهی بخواهد نظام پرداخت خود را بر مبنای بهره‌وری تغییر دهد، در عمل با محدودیت قانونی و مالی مواجه‌است. تا زمانی که نظام بودجه‌ریزی کشور مبتنی بر «عملکرد» نشود، سخن گفتن از پرداخت بر اساس عملکرد، معنای قبیق و اجرایی نخواهد داشت. اصلاح بودجه‌ریزی عملکردی نیازمند اراده‌ای جدی، آموزش نیروی انسانی و تغییر در روش تخصیص منابع است. آیا دولت برنامه مدونی برای این تحول دارد؟ اگر دارد، چرا گزارش آن منتشر نمی‌شود؟ اگر ندارد، چرا همچنان از لزوم اجرای آن سخن گفته می‌شود؟

از سوی دیگر، مسئله اعتماد عمومی به وعده‌های اقتصادی دولت‌ها نیز در میان است. جامعه امروز با انبوهی از وعده‌های تحقق‌نیافته پره‌رو است. مردم شنیدن را خوب یاد گرفته‌اند، اما باور کردن در راز دست داده‌اند. هر بار که مسئولان از «باید» سخن می‌گویند، ذهن مردم ناخودآگاه به دهه «باید» گذشته می‌رود که هیچ‌گاه به «شد» نرسید. از اصلاح نظام مالیاتی گرفته تا ساماندهی یارانه‌ها و عدالت در پارسال حقوق، همه در دیاره حرف یاد گرفته‌اند، وقتی سیاستگذار فقط حرف می‌زند و گزارشی از نتیجه نمی‌دهد، گفتار او به مرور ارزش خود را از دست می‌دهد و حتی اگر نیتش خیر باشد، شنونده آن را جدی نمی‌گیرد. این همان پدیده‌ای است که در علوم ارتباطات از آن به عنوان «فرسایش اعتماد» یاد می‌شود.

یکی از نیازهای حیاتی امروز کشور، عبور از فضای گفتار به فضای گزارش است، چه آنکه مردم باید بدانند از وعده‌های داده‌شده چه میزان عملی شده است. در حوزه پرداخت مبتنی بر عملکرد، می‌توان به سادگی گزارشی عمومی منتشر کرد مبنی بر اینکه چند دستگاه دولتی تاکنون نظام ارزیابی عملکرد را اجرا کرده‌اند؟ میانگین تفاوت پرداخت میان کارکنان برتر و ضعیف چقدر است؟ چه میزان از هزینه‌های جاری دولت بر اساس بهره‌وری کاهش یافته است؟ اگر چنین گزارش‌هایی وجود نداشته باشد، تکرار واژه‌هایی چون «باید» و «لزم است» فقط به معنای تأخیر در عمل است.

نیاید فراموش کرد که دولت، صرفاً نهاد تصمیم‌گیر نیست، نهاد پاسخگو نیز است. رئیس‌جمهور زمانی که از ضرورت یک اقدام سخن می‌گوید، باید پیش‌تر گزارش اجرای آن را ارائه کرده باشد یا حداقل بر نامه مشخصی برای آن داشته باشد. وقتی در کشور ما پس از هر سخنرانی، تنها بازتاب رسانه‌ای آن باقی می‌ماند و خبری از گزارش پیگیری نیست، طبیعی است که جامعه احساس کند این سخنان کارکردی بیشتر از گفتاردرمانی ندارد. گفتاردرمانی در سیاست همان لحظه‌ای است که سخن جای عمل را و وعده جای گزارش را می‌گیرد.

از منظر اقتصادی نیز اصلاح نظام پرداخت بدون شفاف‌سازی هزینه‌ها ممکن نیست. بخش قابل توجهی از بودجه عمومی کشور صرف حقوق و مزایای کارکنان دولت می‌شود. در حالی که نسبت به هزینه‌های جاری به عمرانی هر سال بیشتر شده است، دولت‌ها ناچارند برای جبران کسری بودجه به راحل‌های کوتاه‌مدت مانند استقراض یا چاپ پول روی آورند. اگر پرداخت‌ها بر اساس عملکرد سامان یابد، بخش قابل توجهی از هزینه‌های ضرر ضرر خواهد شد، اما این کار نیازمند پایش مستمر و اراده‌ای است که فراتر از سخن گفتن باشد. وقتی اراده به عمل برسد، مردم خود متوجه خواهند شد و دیگر نیازی به تأکید مکرر بر «باید» نخواهد بود. در این میان، توجه به روحیه و انگیزه کارکنان دولت نیز اهمیت دارد. نمی‌توان از کارکنان انتظار بهره‌وری بالا داشت، اما ساختار پرداخت و ارتقا را نامنصفانه و مبهم نگه داشت. کارکنان باید بدانند که تلاش بیشتر، نتیجه ملموس در درآمد و موقعیت شغلی دارد. اگر کرامندی احساس کند میان کار او و پاداشش نسبتی وجود ندارد، انگیزه از بین می‌رود و حتی بهترین سیاست‌های اصلاحی هم به شکست می‌انجامد، بنابراین پیش از هر چیز باید شاخص‌های سنجش عملکرد به صورت شفاف اعلام شود و به تأیید نهادهای نظارتی برسد.

تنها در این صورت است که سخن رئیس‌جمهور درباره پرداخت بر اساس عملکرد معنایی عملی پیدا می‌کند. افزون بر این، نظام مدیریتی کشور نیز باید با همان معیارهایی سنجیده شود که قرار است درباره کارکنان اعمال شود. چگونه می‌توان از کارمند انتظار پاسخگویی داشت، اما مدیران میانی و ارشد هیچ گزارشی از عملکرد خود ارائه ندهند؟ عدالت در ارزیابی، زمانی تحقق می‌یابد که سلسله‌مراتب اداری از بالا به پایین در معرض سنجش قرار گیرد. در غیر این صورت، سخنان از پرداخت مبتنی بر عملکرد، به یک شعار دوگانه یعنی برای زیردستان الزام‌آور و برای مدیران تزئینی تبدیل می‌شود.

اکنون که دولت در آستانه تدوین بودجه سال آینده است، بهترین زمان برای ارائه گزارش شفاف از نتایج ۱۵ ماهه خود است تا مردم بدانند در حوزه‌هایی که رئیس‌جمهور وعده داده، چه میزان پیشرفت حاصل شده است. انتشار چنین گزارشی اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌کند. در نهایت باید بدین‌گفت «باید» اسان عمل کردن به آن دشوار است. هر مسئولی می‌تواند در پشت تریبون از ضرورت‌ها سخن بگوید. هنر آن است که پس از گذشت زمان، بتواند گزارش دهد چه میزان از آن ضرورت‌ها به واقعیت تبدیل شده است.



گزارش یک

سعیده زمانی

ادامه از صفحه اول

هوای پاییز با آنکه خنک است اما دمای قیمت‌ها همچنان بالاست و مهرماه امسال با موج جدیدی از گرانی همراه شده است. عده‌های رسمی از مرکز آمار نشان می‌دهد سرعت رشد قیمت‌ها بیشتر هم شده است و مردم با تمام وجود لمس می‌کنند که خریده‌ای روزمره‌شان سنگین‌تر شده است. گزارش جدید از شاخص قیمت مصرف‌کننده در مهر۱۴۰۴ می‌گوید زندگی برای خانوار ایرانی سخت‌تر و پرهزینه‌تر شده است و روند گرانی‌ها همچنان ادامه دارد.

گزارش رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد شاخص قیمت مصرف‌کننده به عدد ۴۰۳۲/۸ رسیده است. بر اساس این شاخص، قیمت‌ها نسبت به سال ۱۴۰۰ بیش از چهار برابر شده‌اند. به زبان ساده، یعنی اگر در سال ۱۴۰۰ با ۱۰۰ هزار تومان می‌شد سبزی از کالاهای و خدمات خرید، اکنون همان سبب بیش از ۴۰۰ هزار تومان قیمت دارد. این افزایش آرام و تدریجی نبوده است. هر ماه بخشی از آن بر دوش مردم سنگینی کرده و در مهر امسال، سرعت رشد آن بیشتر هم شده است. مرکز آمار اعلام کرده است در مهر، قیمت‌ها نسبت به شهریور، ۵۵ درصد افزایش یافته‌اند. عدهد درصرد در مقیاس یک ماهه به‌ویژه برای خانوارهایی با درآمد ثابت، عددی بزرگ است. یعنی اگر هزینه خانواری در شهریور ۱۰ میلیون تومان بوده، در مهر برای همان سطح از مصرف باید حدود ۱۰ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان پرداخت کند. در گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، تورم ماهانه بیشتر بوده است. این گروه، بخش اصلی خرج زندگی مردم را تشکیل می‌دهد. افزایش ۶/۴ درصدی قیمت‌ها در این بخش، به معنای گران‌تر شدن مواد غذایی، لبنیات، نان، برنج، گوشت و حتی نوشیدنی‌هاست. کالاهایی که هر روز در سبد خرید مردم قرار دارد، در مهر با هم گران‌تر شد. در گروه کالاهای غیر خوراکی و خدمات، از جمله پوشاک، اجاره، حمل‌ونقل و درمان، افزایش قیمت‌ها کمتر ولی همچنان قابل توجه بوده است. تورم ماهانه این بخش ۴/۲ درصد گزارش شده است. این رقم نشان می‌دهد، گرانی محدود به مواد غذایی نیست و خدمات روزمره مردم هم با افزایش هزینه‌ها مواجه بوده است. اما مهم‌ترین عدد در گزارش مهر، تورم نقطه‌به‌نقطه است. این شاخص، قیمت‌ها را در مهر امسال با مهر پارسال مقایسه می‌کند. نتیجه این مقایسه، رقم ۴۸/۶ درصد است. به زبان ساده، یعنی مردم برای خرید همان چیزهایی که مهر ۱۴۰۳ می‌خریدند، امسال باید تقریباً نصف دیگر پول بدهند. عدد ۴۸/۶ درصد، از ماه قبل ۳۰۲ واحد درصد بیشتر شده است. این یعنی گرانی‌ها دوباره شتاب گرفته‌اند. در حالی که بسیاری از مردم امیدوار بودند در نیمه دوم سال از فشار قیمت‌ها کاسته شود، مهر مسیر دیگری را نشان داد. نرخ تورم سالانه هم دهه بالایی دارد. اگر میانگین تغییر قیمت‌ها در ۱۲ ماه گذشته را نسبت به ۱۲ ماه قبل آن سال، ۳۸/۹ درصد اعلام شده است. یعنی هزینه زندگی در یک سال اخیر تقریباً ۳۹ درصد بیشتر شده است. برای فهم بهتر، اگر خانواده‌ای سال گذشته با ۱۰۰ میلیون

تومان زندگی می‌کرد، حالا برای همان سطح از زندگی باید نزدیک به ۱۲۹ میلیون تومان هزینه کند. این عده‌ها به معنای سخت‌تر شدن زندگی برای میلیون‌ها خانوار ایرانی است.

مرکز آمار همچنین از تفاوت تورم میان دهک‌های هزینه‌ای خبر داده است. دهک‌ها، خانوارها را از فقیرترین تا ثروتمندترین تقسیم می‌کنند. طبق گزارش مهر، تورم سالانه برای دهک اول، یعنی خانوارهای کم‌درآمد، ۴۰/۱ درصد بوده است. در مقابل، دهک دهم که ثروتمندترین گروه است، تورم سالانه ۲۸/۲ درصد را تجربه کرده است. این تفاوت نزدیک به دو واحد درصدی نشان می‌دهد فقیرترها بیش از ثروتمندترها زیر بار گرانی‌ها مانده‌اند. علت اصلی این تفاوت آن است که خانوارهای کم‌درآمد بیشتر درآمد خود را صرف خوراکی‌ها می‌کنند و چون مواد غذایی بیشتر گران شده‌اند، فشار بیشتری احساس می‌کنند. در واقع، وقتی قیمت نان، لبنیات، برنج، گوشت و سبزیجات بالا می‌رود، خانوارهای کم‌درآمد بافاصله تأثیر آن را در سرفه خود می‌بینند اما خانوارهای ثروتمندتر که بخش بیشتری از هزینه‌شان مربوط به خدمات، آموزش یا تفریح است، کمتر تحت تأثیر گرانی خوراکی‌ها قرار می‌گیرند. افزایش ۲۸ تا ۴۰ درصدی هزینه زندگی در طول یک سال، برای بسیاری از مردم به معنای کم شدن قدرت خرید است. درآمدشان همان مانده خارج‌شان بیشتر شده است. نتیجه چنین وضعی، کوچک‌تر شدن سفره‌ها، کاهش مصرف کالاهای غیر ضروری و در مواردی حتی حذف برخی کالاهای اساسی از سبد خرید خانوار است.

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۵۲۳۰

چند بار گرانی در طول سال آقایان وزیر؟!

مهر ماه امسال، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه به ۴۸/۶درصد و تورم خوراکی‌ها به ۱۰۰ درصد رسید. وزیران کابینه اما بیشتر در کار توجیه گرانی‌ها هستند تا به فکر مردم

انتقاد نمایندگان مجلس

از گرانی‌های بی‌ضابطه

حاکم ممکن، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس به اظهار عبور از وضعیت فعلی اقتصاد اشاره کرد و گفت: در حال حاضر گرانی‌ها موجب نارضایتی مردم شده است که تیم اقتصادی دولت به ویژه بانک مرکزی و وزارت اقتصاد باید در این رابطه تدابیر لازم را اتخاذ کنند. بالاخره نمی‌شود افزایش قیمت‌ها را مشاهده کنیم ولی اتفاق خاصی از سوی دستگاه‌های مربوط در این راستا انجام نگیرد، بنابراین انتظار می‌رود وزارتخانه‌های متولی با همکاری بیشتر در راستای مهار تورم و گرانی‌ها اقدام جدی انجام دهند. سیدجلیل میرمحمدی، نماینده مردم نفت و میبد در مجلس نیز با انتقاد از افزایش چند باره قیمت‌ها گفت: آیا واقعا حق این ملت است که در بحث تورم و بحث‌های معیشتی به زانو دربیانند و در جنگ اقتصادی تنها باشند و دولت هیچ برنامه‌ای نداشته باشد. میرمحمدی ادامه داد: هر روز شاهد افزایش قیمت‌های اقلام اساسی مردم هستیم و این مهم در حالی است که وزارتخانه صمت، تمرزاتر و وزارتخانه اقتصاد به عنوان متولیان امر، هیچ برنامه‌ای ندارند.

وی بیان کرد: آنچه مشاهده می‌شود بیانگر عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی است، به عنوان مثال از معاون وزیر جهاد در مورد نهاده‌های دامی سوال شد و وی پاسخ داد که کل نهاده‌ها در گمرک ماند و منتظر ارز هستیم، موضوع که از بانک مرکزی سوال می‌شود، خلاف این روند را به عنوان پاسخ ارائه می‌دهد.

سلمان ذاکر از دیگر نمایندگان مجلس نیز با اشاره به افزایش ۶۰۴ درصدی قیمت پنیر و ۵۵ درصدی گوشت گفت: دهک‌های پایین زیر فشار تورم هستند و دولت باید راهکاری جدی در این زمینه داشته باشد.

کنترل تورم با سیاست‌های پایدار

مسکن است

تداوم گرانی‌ها عموم جامعه را به این باور رسانده است که هیچ چیزی ارزان نمی‌شود، فقط سرعت گرانی فرق می‌کند، بنابراین تورم همچنان مهم‌ترین دغدغه اقتصادی کشور است. افزایش تورم نقطه‌به‌نقطه به ۴۸/۶ درصد، یعنی گرانی نسبت به پارسال تقریباً نصف دیگر اضافه شده است. تورم ماهانه ۵ درصدی نیز نشان می‌دهد حتی در یک ماه، افزایش قیمت‌ها محسوس بوده است. نرخ تورم سالانه نزدیک به ۴۹ درصد هم از تداوم فشار اقتصادی حکایت دارد.

افزایش تورم ماهانه و نقطه‌به‌نقطه، نشانه آن است که هنوز ثبات در بازارها برقرار نشده است. کارشناسان اقتصادی می‌گویند کنترل تورم تنها با سیاست‌های پایدار ممکن است. به‌عبارت دیگر برای آن که فقط اثر کسری بودجه و بهبود تولید تأکید می‌کنند. به باور آنان تا زمانی که رشد قیمت‌ها از رشد درآمد مردم بیشتر باشد، فشار اقتصادی ادامه خواهد داشت. هر چند بخشی از مردم همچنان امیدوارند با ثبات نسبی نرخ ارز و برخی تصمیم‌های اقتصادی، سرعت گرانی‌ها کمتر شود، با این حال تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که وعده‌های کنترل تورم به سادگی عملی نمی‌شود.



رفاه‌دهشیری | جوان

فشار بر خانوارها از بابت رشد هزینه‌های مسکن

رشد هزینه‌های مسکن هم به سنگینی هزینه خانوارها افزوده است. اجاره‌خانه در بسیاری از شهرها طی سال گذشته جهش بزرگی داشته است. سهم مسکن از سبد هزینه خانوارها بالا رفته و این امر باعث شده است حتی خانوارهایی با درآمد متوسط نیز احساس فقر کنند. افزایش هزینه‌ها در بخش حمل‌ونقل، انرژی و خدمات عمومی نیز مزید بر علت شده است. افزایش کرایه تاکسی و مخارج مربوط به مدرسه و درمان، مجموعه‌باعث شده‌اند مردم در هر سو فشار اقتصادی را حس کنند.

موافقت با گرانی خورد و در شرایط حساس

در این شرایط و با توجه به نوسانات شدید قیمت ارز در حالی که انتظار می‌رفت دولت، دست‌کم زیر بار افزایش قیمت خودرو به عنوان یکی از بازارهای آزاد گران و کاهش در اقتصاد و معیشت مردم نرود با افزایش قیمت خودروسازان نیز موافقت کرد. بر این اساس نرخ محصولات ایران خودرو با افزایش ۱۸ تا ۲۲۰ میلیون تومانی اعلام شد. بعد از گرانی محصولات ایران خودرو، سایپا نیز محصولاتش را در بازه ۳ تا ۴ درصد گران کرد. این میزان از افزایش، ثبت‌نام‌کنندگان در طرح پیش‌فروش خودروسازان را بیشتر شوکه کرد و پس از این افزایش رسمی قیمت‌ها، نرخ خودروهای بازار نیز نوسانات افزایشی به خود گرفت. حلا پس از گرانی خودرو و زمزمه گرانی لاستیک نیز شنیده می‌شود!

زمزمه گرانی ۷۵ درصدی اینترنت!

همچنین زمزمه گرانی ۷۵ درصدی اینترنت نیز

با حضور فعالانه ایران در سامانه تسویه برون مرزی یوآن صورت می‌گیرد

خدا حافظی با تراستی‌های هزینه‌زا در تجارت خارجی

علی صالحیان، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» اهمیت عضویت و حضور فعالانه ایران در سامانه تسویه برون مرزی یوآن را با محوریت وزارت امور خارجه، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تشریح کرد

تراکنش‌ها، پندنگی ارزی صادراتی را در همان لحظه مبادله به یوآن دیجیتال تبدیل کند. این قابلیت موجب می‌شود ایران برای نخستین بار پس از سال‌ها، بدون هیچ هزینه اضافی و بدون مواجهه با نظارت نهادهای دیگر، بدون نیاز کار، نه تنها به تجارت خارجی را به شدت کاهش می‌دهد، بلکه وابستگی ایران به درهم امارات و دلار آمریکا را نیز از میان می‌برد، در نتیجه فشار تقاضای ارزی بر بازار داخل کاهش می‌یابد و ثبات نرخ ارز در کشور تقویت می‌شود، بنابراین تجارت خارجی ایران از این پس به زمان قابل توجهی برای تحریم‌های بانکی آمریکا بازخواهد گشت و درآمدهای صادراتی ایران در یک حساب متعلق به بانک مرکزی ایران در سامانه تسویه برون‌مرزی یوآن جمع‌آوری و از همان محل تسویه به ریال در ایران از طریق بازار گانان انجام خواهد شد و بانک مرکزی به حساب مرکزی کشور هدف برای واردات کالا، تسویه معامله مذکور را انجام خواهد داد و به این ترتیب تراستی‌ها به طور کامل از بین می‌روند و هزینه‌های بانکی تحمیلی در قالب تحریم به صفر می‌رسد.

تحقق ایجاد سامانه موازی دلار

علی صالحیان، کارشناس اقتصادی در رابطه با تحقق سامانه موازی دلار با کارکردی راهبردی برای کشورهای جنوب جهانی و غیر غربی گفت: از منظر راهبردی، پیوستن ایران به سامانه تسویه یوآن دیجیتال، صرفاً یک اقدام فنی با بانکی نیست بلکه ورود به اتحاد مالی جنوب جهانی است که با محوریت چین، روسیه و دیگر اعضای بریکس در حال شکل‌گیری است. در این نظام مالی نوظهور، کشورها به جای رقابت برای دسترسی به دلار، با بانکبر ارزهای ملی خود و زیرساخت‌های دیجیتال مستقل، مبادلات چندجانبه انجام می‌دهند. برای ایران که یکی از اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای است و روابط اقتصادی گسترده‌ای با کشورهای آسیای دارد، این تحول می‌تواند به افزایش چشمگیر حجم تجارت خارجی و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر شود.

وی ادامه داد: در این ساختار، بانک مرکزی ایران می‌تواند به صورت مستقیم به سامانه چینی متصل شود و از طریق تسویه آنی

استقلال از شبکه بانکی غرب در هم آمیخته است. در واقع، چین با ایجاد این شبکه جدید مالی، نه صرفاً در پی رقابت اقتصادی، بلکه در حال مهندسی یک نظم مالی جدید برای قرن بیست‌ویکم است. سامانه تسویه برون مرزی یوآن، همزمان با توسعه یوآن دیجیتال در بیش از ۲۰۰ کشور، به نوعی سلاح مالی راهبردی در برابر سلطه دلار و نفوذ آمریکا تبدیل شده است. امروز دیگر نقل و انتقال ارزی میان کشورهای آسیایی، آفریقایی و خاورمیانه‌ای می‌تواند بدون عبور از سؤنیفت و بدون حضور بانک‌های آمریکایی انجام شود. امری که نه تنها وابستگی کشورها به دلار را کاهش داده بلکه توان تحریمی غرب را نیز به شدت تضعیف کرده است. هرچه کشورهای بیشتری به این شبکه بپیوندند، قدرت ترانزاکشنی دلار و دامنه اثرگذاری خزانه‌داری آمریکا محدودتر می‌شود. به این ترتیب، سامانه جدید یوآن دیجیتال نه صرفاً جایگزینی برای سؤنیفت، بلکه پایه‌گذار نظم مالی چندقطبی جهان آینده است که در آن تراکنش‌های جهانی دیگر از واشینگتن عبور نخواهند کرد.

در این میان، ایران یکی از کشورهایی است که می‌تواند بیشترین منفعت را از سامانه جدید مبادله و تسویه برون مرزی یوآن کسب کند. ایران طی سال‌های اخیر، به دلیل تحریم‌های بانکی و محدودیت در استفاده از سؤنیفت، بخش عمده‌ای از تجارت خارجی خود را از طریق تراستی‌ها و واسطه‌های منطقه‌ای انجام داده است؛ سازوکاری پرهزینه، غیرشفاف و آسیب‌پذیر که همواره ریسک بلوکه شدن منابع ارزی کشور را در پی داشته است. اکنون اما با گسترش شبکه تسویه یوآن دیجیتال، امکان آن فراهم شده است که ایران مبادلات مالی خود را به صورت مستقیم با شرکای اصلی تجاری مانند چین، روسیه، هند و کشورهای عضو آس‌آن انجام دهد. بدون آنکه نیازی به بانک‌های واسطه یا تراستی‌ها مستقر در امارات و ترکیه داشته باشد.

اهمیت این تحول در آن است که ایران می‌تواند از این پس، کالاهای وارداتی خود را در محل منابع حاصل از صادرات نفت، پتروشیمی یا مواد معدنی به چین و سایر کشورها تسویه کند. به بیان دیگر،